

عنوان درس:	فقه نظام خانواده	جلسه ۸	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۹/۱۳
عنوان فرعی ۱	نکاح			
عنوان فرعی ۲	شرط استحباب عینی نکاح			
عنوان فرعی ۳	کفویت			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین زحمتکش			

بحث در کفویت بود و در گذشته روایاتی را در این باره خوانیدم که در برخی آمده بود «المؤمن کفو المؤمنة» و یا «المسلم کفو المسلمة» و بعد از آن روایاتی خواندیدم به این مضمون که «الْكُفُو أَنْ يَكُونَ عَفِيفاً وَعِنْدَهُ يَسَارٌ» که در کفویت، عفت و گشایش دست معتبر است و گفتیم مراد از گشاده دست یعنی درآمدی داشته باشد که بتواند زندگی را پیش ببرد و دستش از لحاظ مالی بسته نباشد. چند روایت در این زمینه خواندیدم، به این روایت مرحوم صدوق نیز اشاره می کنیم:

أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «الْكُفُو أَنْ يَكُونَ عَفِيفاً وَعِنْدَهُ يَسَارٌ»^۱

از لحاظ سندی روایت صحیح است زیرا تمام رجال سند ثقاتند؛ دلایلی بر وثاقت اسماعیل بن مرار وجود دارد که در وثاقت او همین کافی است که از روات علی بن ابراهیم در تفسیر قمی است و توثیق عام علی بن ابراهیم شامل او نیز می شود؛ و اشکالی که ممکن است گرفته شود این است که یونس بن عبدالرحمن از جماعتی نقل کرده است و این جماعت مجهول است؛ لکن گفتیم امثال یونس و ابن ابی عمیر اگر گفتند «جماعة من اصحابنا»؛ برای ما در حکم صحیح است زیرا مثل ایشان که از سوی معصوم تأیید شده و از خواص ائمه علیهم السلام بوده است اگر از جماعتی نقل کند _ که جماعت حد اقل سه نفر بلکه بیشتر است _ ، احتمال اینکه در بین آنها یک ثقه وجود نداشته باشد به حدی از استبعاد است که به آن اعتنا نمی شود.

این روایت آن روایاتی که می‌فرمود «المؤمن كفو المؤمنة» را تخصیص می‌زند لذا علاوه بر ایمان و اسلام، عفت و یسار هم در کفویت شرط است؛ منتهی بحث این است که در آن روایت اولی که از امام باقر علیه السلام خواندیم که فرمود «وَالْمُؤْمِنُ كُفُوٌ لِلْمُؤْمِنَةِ وَالْمُسْلِمُ كُفُوٌ لِلْمُسْلِمَةِ»^۱ این روایت در ذیل داستان جویر آمده بود و جویر یسار نداشت؛ اگر یسار شرط است چرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین دستور فرمودند که جویر با دلفا ازدواج کند؟

جمع بین این دو روایت به این است _ که جمع عرفی است _ که در داستان جویر رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور داده بودند به این ازدواج و هنگامی که ولّی دستور دهد، خود او متعهد تأمین معاش خواهد شد؛ بنابراین این روایت جویر با روایاتی که شرط یسار را برای کفویت معتبر می‌دانند معارض نیست زیرا در آن روایت یک ویژگی وجود دارد که آن ویژگی وجه جمع است و آن ویژگی این است که تزویج جویر با دلفا به دستور حاکم انجام گرفت؛ بنابراین وجه جمع چنین است که هنگامی که ولّی دستور به ازدواج دهد، دیگر این شرط یسار منتفی خواهد شد و در آن روایت هم نیامده که حتی در صورتی که ولّی و حاکم دستور به ازدواج دهد، باز هم یسار شرط است و همچنین از ادله دیگر هم استفاده می‌کنیم که چون ولّی عام کافل تمام نیازمندان است، خواه نا خواه کفالت این شخص را نیز به عهده خواهد گرفت.

۱. وسائل الشیعة؛ ابواب مقدمات نکاح، باب ۲۵، ح ۱.